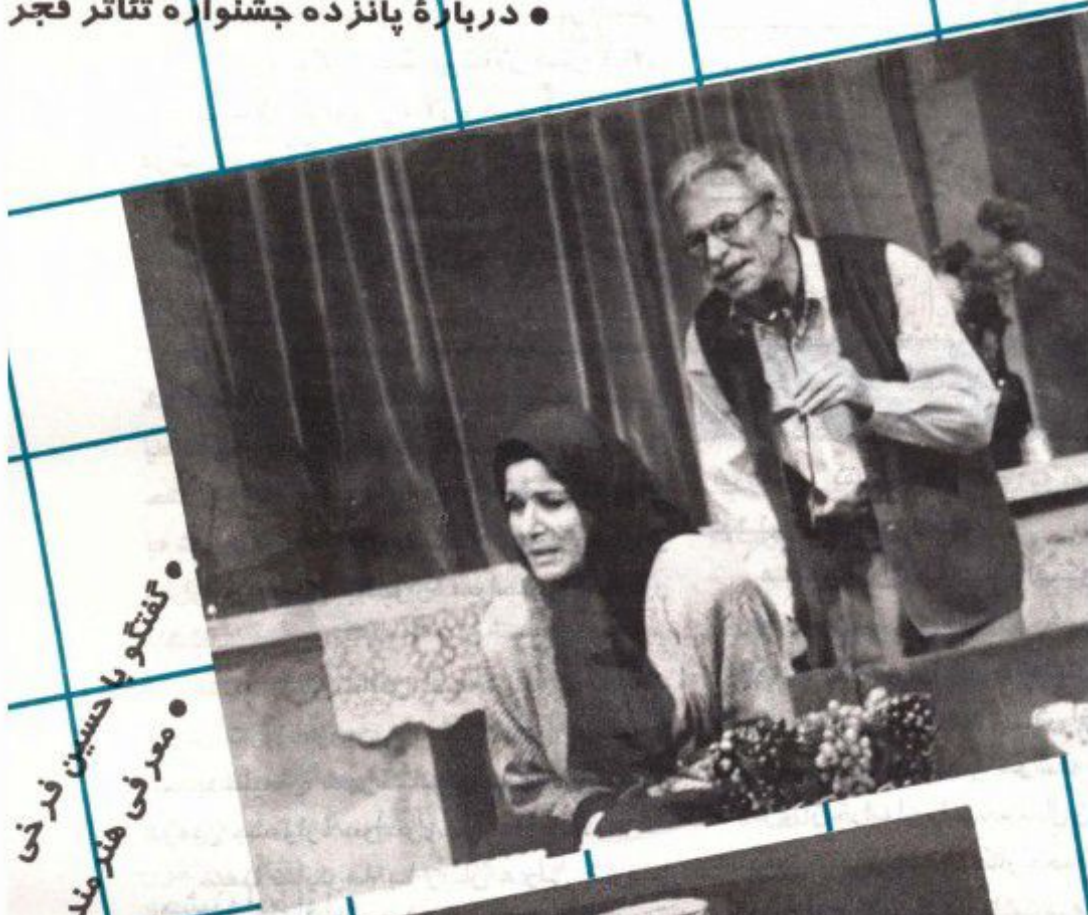
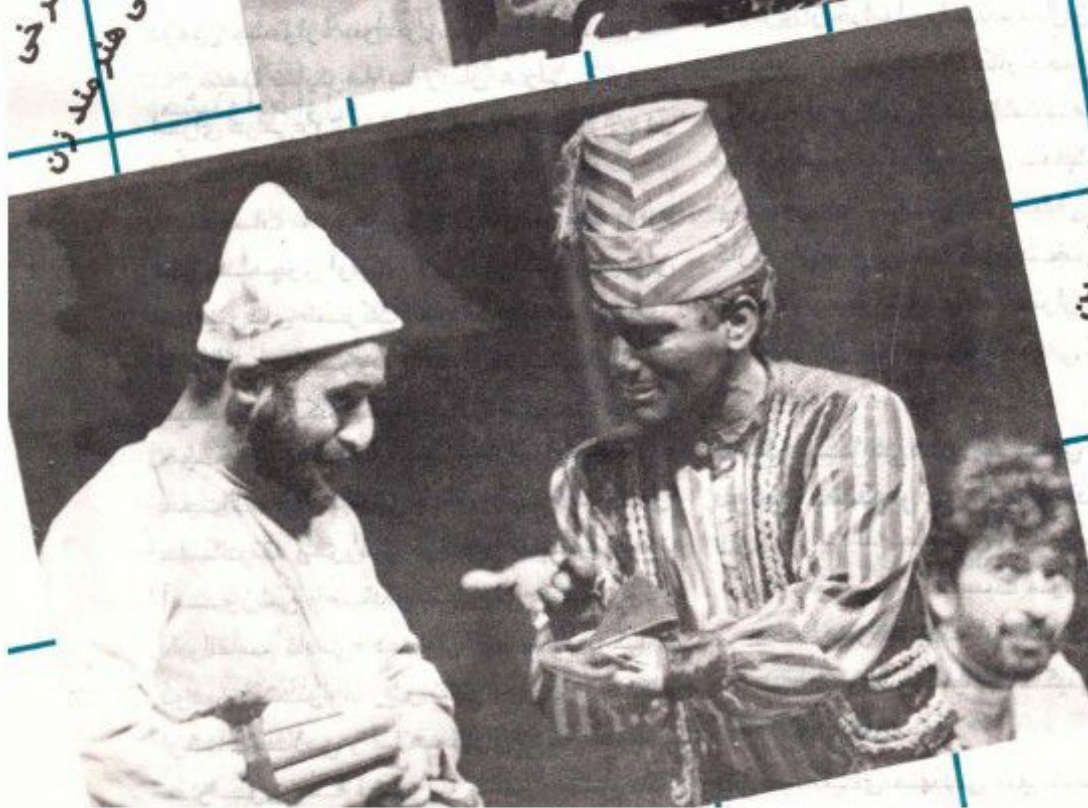


● نقد نمایش آمیز قلم‌مدون

● دربارهٔ پانزده جشنواره تئاتر فجر



● گفتگو با حسین فرخی  
● معرفی هنرمندان







## درباره

### پانزده

## جشنواره

### تئاتر فجر

سید وحید ترحمی مقدم

تشکیل گردید.

این دوره از جشنواره نیز چون دوره اول آن به شکل مسابقه انجام شد و علاوه بر جوایزی که هیأت داوران اعلام داشت چندین نهاد دیگر نیز جوایز نقدی و غیر نقدی به نمایشهای برتر جشنواره اهدا نمودند.

هیأت داوران با اعلام اینکه هیچکدام از کارهای اجرا شده در دومین جشنواره حداقل ویژگیهای لازم برای کار منتخب را دارا نیستند، کاری را به عنوان برترین نمایش انتخاب ننموده و نمایش «مظلوم پنجم» نوشته و کار رضا صابری از خراسان را برنده مدال زرین و نمایش «سومین شب» نوشته و کار محمد احمدی از قم را برنده لوح زرین اعلام داشتند. همچنین جایزه ویژه هیأت داوران برای نمایش «بعضی‌ها اینجورین» به فیروز مبلغی، نویسنده و کارگردان نمایش اهدا گردید. خرقه ارغوانی نوشته «حسین نوری» به عنوان بهترین کار محتوایی در این جشنواره معرفی گردید.

#### \* ویژگی‌های قابل ذکر در

دومین جشنواره سراسری تئاتر فجر:

**الف:** آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور در پیام خویش به مناسبت مراسم افتتاحیه: «هنرمندان نمایش و همه هنرمندان دیگر بار تکلیف سنگینی را به دوش می‌کشند.»

**ب:** آقای مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر در مراسم افتتاحیه اظهار

#### «دومین جشنواره»

دومین جشنواره سراسری تئاتر فجر به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در روز دوازدهم بهمن‌ماه سال ۱۳۶۲ طی مراسم خاصی با پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور و مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر و حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در تئاتر شهر گشایش یافت.

در مجموع ۷ سالن اجرا [تئاترشهر (اصلی و چهارسو)، تالار سنگلج، تالار هنر، تالار محراب، تالار مولوی و تالار وحدت] میزبان دومین دوره ز برگزاری جشنواره فجر بودند. مسئولیت دومین جشنواره سراسری تئاتر فجر به عهده «طه عبدخدایی» سرپرست مرکز هنرهای نمایشی بود.

در دومین جشنواره تعداد نمایش‌های شرکت‌کننده تقریباً به نصف سال قبل تقلیل یافته بود؛ در مجموع ۲۲ نمایش در دومین جشنواره به اجرا درآمد که باز هم سهم عمده آن به شهرستانی‌ها تعلق داشت و تنها ۶ نمایش از تهران در دومین جشنواره سراسری حضور داشتند.

مشهد با دو نمایش، اصفهان با دو نمایش، فارس، تبریز، قزوین، یزد، قم، زاهدان، بوشهر و مسجدسلیمان، شهرستانهای شرکت‌کننده در دومین جشنواره سراسری بودند.

ضمناً نمایش‌ها، با زبان عربی «توسط جشنواره اول» و یک نمایش ویژه «خواهران» در استرای عراقی» و یک نمایش ویژه «خواهران» در این جشنواره به اجرا درآمد.

جلسات نقد و بررسی در دومین جشنواره نیز همچون اولین دوره در کنار اجرای نمایش‌های شرکت‌کننده انجام شد. دکتر عبدالکریم سروش، دکتر سیدکمال حاج سیدجواد، دکتر حداد عادل، مهندس مهدی حجت، حجت‌الاسلام احمد صادقی اردستانی و حجت‌الاسلام سعادت‌ی سخنرانان دومین دوره جلسات نقد و بررسی بودند و مسئول کمیته آموزشی و نقد و بررسی جشنواره را «ابوالقاسم نادمی» عهده‌دار بود. ستاد برگزاری دومین جشنواره، زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری ستاد مراسم سراسری دهه فجر، با حضور نمایندگان نهادهای انقلاب اسلامی و سازمانهای دولتی



داشتند: «ما امروز نه تنها در مضمون نمایشها، بلکه حتی در تکنیک، و حتی در تعریفی که از بازیگر به دست می‌دهیم و مقامی که برای تماشاگر می‌شناسیم، باید طرحی نو دراندازیم و البته هنوز در آغاز راهیم، اما مهم اینست که قدم‌های خویش را استوار برداریم و از رفتن نهراسیم.»

تاکید حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیام خویش بر این نکته بود: «بر دست‌اندرکاران هنر لازم است که به تأمل بنشینند که چه نمایش می‌دهند و برای که نمایش می‌دهند و چرا نمایش می‌دهند.»

بخش هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - جهاددانشگاهی - جهاد سازندگی - سپاه پاسداران - صدا و سیما - روزنامه‌های جمهوری اسلامی، اطلاعات و کیهان، دانشگاه، تهران، تالار مولوی - بنیاد شهید، روابط عمومی وزارت ارشاد اسلامی و مرکز هنرهای نمایشی در برگزاری دومین جشنواره، با ستاد برگزاری همکاری داشتند.

با عنایت به اهمیت دفاع مقدس، قالب و محتوای اغلب نمایش‌های شرکت‌کننده، در ارتباط با مسایل گوناگون جنگ و دفاع مقدس طرح‌ریزی گردیده بود.





## گزارش مختصری از

## جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای در سال ۱۳۷۶

۲۷۲۰۰ نفر به رقابت پرداخته که مجموعاً ۹ کار برگزیده این مناطق بودند که عبارتند از:

**منطقه یک:** نمایش ساج‌سوزان نوشته و کار صابر دل‌بینا از سنندج و نمایش آرش نوشته و کار محمود مهدوی و مجید واحدیزاده از اردبیل

**منطقه دو:** نمایش عروسی و مرگ نوشته و کار هواسی بلوک از کرمانشاه و نمایش یکی از میان همه نوشته خانم موحیدیان به کارگردانی لیلا پرویزی از اصفهان

**منطقه سه:** نمایش نقش دل در چاه نوشته رویا مختاری و کار حسن خمیری از زاهدان و نمایش نی‌لبک و بهمن نوشته فرهاد ناظرزاده کرمانی، به کارگردانی امیر سهامی از زنجان

**منطقه چهار:** نمایش واقعه در واقعه نوشته مکار صادق عاشورپور از همدان و نمایش هجوم نوشته و کار زارعی از میناب

**منطقه پنج:** نمایش بدرود آرش به کارگردانی

نهمین جشنواره تئاتر استانی و منطقه‌ای کشور با حضور قریب به سه هزار هنرمند تئاتری از تاریخ ۷۶/۶/۱۵ لغایت ۷۶/۱۰/۱۰ در سطح ۲۶ استان و ۵ منطقه از سوی ادارات کل استانها و با همکاری و مشارکت مرکز هنرهای نمایشی برگزار گردید، در این جشنواره‌ها که قریب به ۴ ماه ادامه داشت پس از فراخوان استانها مبنی بر چگونگی زمان و برگزاری جشنواره‌ها تعداد ۱۱۸ گروه در سطح استانها با ۱۶۶ اجرا توسط ۵۲۰ زن و ۱۲۱۰ مرد، هنرمند در حضور بیش از ۷۵۰۰۰ نفر تماشاچی برگزار گردید که منتخبین جشنواره‌های استانی در پنج منطقه کشور (منطقه یک اردبیل - منطقه دو شهرکرد - منطقه سه مشهد - منطقه چهار - کرمانشاه - منطقه پنج - خرم‌آباد) شرکت نمودند که نمایشهای منتخب استانها با ۴۳ اجرا و با شرکت ۲۱۰ نفر زن و ۳۹۸ نفر مرد هنرمند در حضور بیش از

زهره اسماعیلی از شهرکرد؛ این منطقه تنها یک نمایش برگزیده داشته است.

شایان ذکر است که ریاست محترم مرکز هنرهای نمایشی جناب آقای سلیمی در مراسم اختتامیه مناطق خرم‌آباد - کرمانشاه، اردبیل و شهرکرد حضور یافتند و پیرامون سیاستها و برنامه‌های سال جاری مرکز با هنرمندان سخن گفته و در جلسات پرسش و پاسخ به سوالات جامعه تئاتری جواب لازم را ارائه نمودند که پس از چندین سال حرکتی مؤثر بوده که مورد توجه تمامی هنرمندان شهرستانی قرار گرفت و از سوی مرکز تعداد ۲۵ سکه کامل بهار آزادی و دو نیم‌سکه بهار آزادی و ۴۰ لوح تقدیر از سوی معاونت هنری و مرکز اهدا گردید.

هیچ تردیدی به این مرکز مراجعه کردم و دوستان گرامی این مرکز بعد از خواندن متن مرا تشویق و ترقیب نمودند تا خود آن را کارگردانی کنم. این نمایش چهل پرسوناژ داشت و تقریباً کار سنگینی محسوب می‌شد بعد از شرکت در جشنواره استانی و منطقه‌ای به سیزدهمین جشنواره تئاتر فجر راه یافت و در دو جشنواره اول در مقاطع مختلف نویسندگی کارگردانی بازیگری زن و مرد و حرکات موزون و همخوانی امتیازاتی را کسب نمود، و در واقع به‌عنوان اولین کار جدی من، موفقیتی در خور توجه بود بعد از آن نمایشهای دیگری نوشتم و کارگردانی کردم که گاه موفق بودند و گاه ناموفق که از هر یک خاطره و تجربه‌اش برایم بر جای ماند.

بغض دیوار - میلیونر - ناجی - قوزی - دندان مرده - چشم ماه - آدمک - رازبان نقش دل در چاه ...

در چهاردهمین جشنواره تئاتر فجر در نمایش رامشگر به‌عنوان بازیگر اصلی و محوری ایفای نقش نمودم. در جشنواره پانزدهم هیچ کاری را ارائه نکردم و در واقع نمایش خیابانی قوزی را نوشتم و کارگردانی کردم اما هرگز بازبینی نشد و به این جشنواره راه نیافت. اینک بعد از چهار سال که از نوشتن دلم دریا می‌گذرد با نمایش «نقش دل در چاه» در این جشنواره شرکت دارم تا خدا چه خواهد.

## رؤیا مختاری

دانش‌آموزان استان اول شد اما بعداً با یک سهل‌انگاری از سوی فردی، اصل رمان سراب که حتی ورقی کپی از آن نداشتم گم شد.

سال ۶۷ در رشته شیمی دانشگاه سیستان و بلوچستان قبول شدم و تقریباً قلم نوشتن را کنار گذاشتم و تنها با نمایش بازگشت در مسابقات نمایشنامه‌نویسی دانشجویان شرکت کردم و مقام دوم این مسابقه را کسب نمودم اما این نمایشی بود که قبلاً در دوران دبیرستان نوشته بودم. سال ۷۲ در آخرین ترم دانشجویی شبی شعری که هم اتاقیم خانم مریم ابراهیمی سروده بود جرعه نوشتن نمایش «دلم دریا» را در ذهنم به‌وجود آورد.

و دقیقاً زمان امتحانات پایان ترم بود که قلم گم شده خویش را یافتم و بی‌وقفه شروع به نوشتن این نمایش نمودم و در تمام مدت این قسمت از شعر در ذهنم بود و مرا پیش می‌برد:

## دلم دریا

صد اقامت آبیست را  
این صدف رویان نمی‌فهمند

که ساحل لایق آنهاست  
تو نیلوفر تمناکن  
که تنها عاشق ریاست

با وجود اینکه از مدتها پیش نام مرکز نمایشی را شنیده بودم اما بعد از نوشتن دلم دریا بدون

## هنرمند زن

شب یلدای سال ۱۳۴۷ در بجنورد متولد شدم. پدر و مادرم سیستانی هستند اما چون پدرم نظامی بود ما در بجنورد اقامت داشتیم بعد از سه سال به قزوین رفتیم و تا کلاس دوم دبستان در این شهر بودیم و بعد از آن به زاهدان برگشتیم از سال ۵۶ یعنی کلاس سوم دبستان تا پایان دوره دبیرستان و حتی دانشگاه در زاهدان بودم و همچنان هستم.

سال ۵۹ با شروع جنگ تحمیلی، پدرم که در لشکر ۸۸ زرهی زاهدان خدمت می‌کرد به جبهه اعزام شد. من ماندم و نگرانی که از صدام و مجریان جنگ در وجودم شعله می‌کشید و این مسبب نوشتن اولین نمایشنامه‌ام شد: «اتحاد نا مقدس» که کاراکترهای مسخره صدام، آمریکا، شوروی، اسرائیل و ستون پنجم باعث قهقهه و خنده دانش‌آموزان و معلمانم شد. لذت آن لحظه‌ها قلم نوشتن نمایشنامه و داستان را به‌دستم داد و هنگام نوشتن به‌هیچ نمی‌اندیشیدم مگر خشنودی تماشاگران در پایان نمایش. کلاس سوم دبیرستان بودم که نمایشنامه «بیا تا مونس هم ...» را نوشتم و کارگردانی نمودم و به مدت سه روز برای مدارس دخترانه به اجرا گذاشتیم و منافع فروش بلیط را به نفع جنگ واریز نمودیم. زمانی به نام سراب نوشتم که در مسابقات داستان نویسی





# تئاتر گلکاری است

افرادی است که برای این کار انتخاب می‌شوند. آنها چون آدمهای متفاوتی هستند هر بار نوع خاصی از نمایش‌ها را می‌پسندند و آن نوع بلافاصله برای همه گروههای شهرستانی الگو می‌شود.

رحیم هودی - البته شاید تعداد جشنواره‌ها زیاد باشد، اما بعضی از آنها واقعا لازم است. مثل جشنواره آئینی و سنتی. هم به لحاظ پژوهشی اهمیت دارد و هم چون پر سنت‌های ما متکی است ارزش خاصی دارد. اما باید برنامه‌های در شهرستان خود گروه‌ها هم اجرا شود. اصلا چرا تئاتر اجرا می‌کنیم. برای گرفتن سکه؟ در این صورت بهتر است همه راهی میدان ورزش شویم. چون در آنجا گل می‌زنیم و گل می‌خوریم و جایزه می‌گیریم. اما تئاتر فوتبال نیست. تئاتر گل زدن نیست، تئاتر گل کاری است. باید در صحنه گلی بکاریم که در دل تماشاگر بروید و آن جایزه ما است. همینطور بودجه را هم با انصاف بین تهران و شهرستان قسمت کنند.

رحیم هودی - در جشنواره‌های گذشته دیده شده که متون را می‌خوانند و تصویب می‌کنند و اجراها را هم تصویب می‌کنند، اما آنچه اجرا می‌شود کار قدرتمندی نیست و حتی می‌توان گفت ضعیف است. یعنی مردم می‌آیند بهترین‌ها را ببینند اما بدترین‌ها را می‌بینند. به طوریکه از سال ۷۲ به بعد جشنواره فجر هیچ کار خوبی ارائه نداده. ما نه کار برتر داشتیم و نه متن بهتر. اینجا محک تئاتر است. وقتی بهترین‌ها ضعیف هستند الگو می‌شود برای همه.

نادر شهسواری - موضوع جایزه‌ها هم خیلی مهم است و ما به طریقی به این قضیه معترض هستیم. اینکه تئاتر را با چند سکه به صورت اعانه ارزشیابی می‌کنند خیلی تحقیرآمیز است. البته خود ما هم مقصر هستیم و در پیش آمدن این شرایط به موقع آری و نه نگفته‌ایم.

● می‌دانید که ما در شرایط خاصی از نظر فرهنگی، اقلیمی و اقتصادی به سر می‌بریم. سرمایه‌های لازم را هم با توجه به اینکه بسیاری از نقاط دارای کمبودهایی در این زمینه‌هاست باید به نسبت تقسیم کرد. مثلا نمی‌توان انتظار داشت که دولت در همه جا به طور یکسان سالن نمایش بسازد. اما فکر

بهترین آنها را به جشنواره بیاوریم. ولی در وضع فعلی اول باید به جشنواره برویم تا بتوانیم مجوز اجرا در شهر خودمان را داشته باشیم. از طرف دیگر متاسفانه ما برگزارکنندگان جشنواره‌ها هم مسئله داریم. یعنی آنها به دلایل مختلف، یا چون بیش از حد فرهیخته‌اند، یا به این دلیل که در حال و هوای خودشان هستند معمولا تئاترهائی را انتخاب می‌کنند که کمتر به جایی بر بخورد. در نتیجه ما هم به تدریج تئاترهائی کار می‌کنیم که حال و هوای گیج و مبهم داشته باشد.

احمد سپاسدار - فکر می‌کنم نظرات دوستانم نظر بسیاری از اهل تئاتر باشد. اما گمان می‌کنم تنها جشنواره‌ای که می‌توان برایش شناسنامه مشخص داشت همین جشنواره فجر است. به هر حال حرفه‌ای‌تر است و سراسری است. اما همانطور که آقای شهسواری به درستی اشاره کردند ما اول جشنواره را راه می‌اندازیم بدون اینکه تئاتری وجود داشته باشد. از طرف دیگر وقتی مثلا در سطح استان یا حتی در سطح کشور در این جشنواره به فردی به عنوان بهترین بازیگر یا کارگردان یا ... دیپلم افتخار می‌دهیم به نظر من مضر است چون او گمان می‌کند که واقعا حرف آخر را زده است و دیگر نیازی به پیشرفت ندارد و دیگر هیچکس را قبول ندارد. من جشنواره فجر را دوست دارم و به آن معتقدم اما به این شرط که برای این جوایز فکر دیگری بکنند. در جشنواره‌های قدیم‌تر گروههایی که به تهران می‌آمدند سلامت بیشتری داشت چون بعد از اجرای کار مردم و منتقدین نظرات خود را می‌گفتند و همه می‌فهمیدند در چه چارچوبی قرار گرفته‌اند و اگر پدیده نوینی در میان کارها دیده می‌شد توسط منتقدین مطرح می‌شد. همین حضور در جشنواره فجر باید برای گروههای تئاتر جایزه محسوب شود. همینطور اگر بجای انتخاب سی گروه، ده گروه بهتر را انتخاب کنند و از آنان حمایت جدی بشود حتما اثرات بهتری خواهد داشت. اما در وضع فعلی جشنواره می‌خواهد به کار تئاتری ارتقاء دهد، اما باعث واپس‌خوردگی می‌شود. همینطور باید از تعدد جشنواره‌ها کاسته شود.

احمد سپاسدار - نکته دیگر مسئله داوری جشنواره‌هاست که معمولا متکی بر سلیقه

## گفتگو با هنرمندان تئاتر شیراز

● جشنواره تئاتر فجر چه تاثیری بر روند توسعه تئاتر کشور داشته است؟ آیا این جشنواره هدفمند بوده است؟

رحیم هودی - برگزاری جشنواره کمک موثری است برای محک زدن هنرمندان. اما باید آنان تنها به جشنواره بسنده نکنند، گروههای تئاتر باید در شهرستان‌های مختلف حرکت کنند و آثار خود را به نمایش بگذارند. اینطور که در سال چند ماهی تمرین کنند برای یک اجرا در تهران درست نیست. آنها تنها برای جشنواره خود را آماده می‌کنند و احتمالا اثر خود را اگر موفق شوند به چند جشنواره می‌برند. این حالت طبق‌کشی است. به این ترتیب مردم هم کم‌کم تئاتر را از یاد خواهند برد. قبلا برنامه‌های تئاتر در مسیر حرکت به تهران می‌بایست از هر شهرستانی که می‌گذرند، اجرایی داشته باشند. ادارات فرهنگ و هنر هم موظف بودند پذیرای گروه مسافر باشند و امکانات کار را فراهم کند. به این ترتیب تماشاگر هم با تئاتر آشنا می‌شد. اما حالا بیشتر چراغهای تئاتر خاموش است.

نادر شهسواری - من اساسا اعتقاد ندارم که تئاتر به معنی واقعی آن داشته باشیم. آنچه داریم بیشتر جریانی است که به ما تحمیل شده. مقصر را هم نه مردم می‌دانم و نه عدم حمایت دولت. بیشتر معتقدم که عارضه‌ای در خود ما دست اندرکاران تئاتر است. اضطرابهای فردی داریم و آن را به حساب مردم می‌گذاریم. بنابراین با تصویری غلط چیزی را مطرح می‌کنیم یا حرفی را می‌زنیم. مثلا ما اگر به قصد دیدن کاری به همین چهارراه زندگی که مرکز سینماهای شیراز است برویم، می‌توانیم سردر سینماها را نگاه کنیم و یکی را انتخاب کنیم. اما مردم ما در مورد تئاتر اصلا حق انتخاب ندارند و بر حسب تصادف یا دعوت در سالن تئاتر حضور پیدا می‌کنند. من معتقدم خود ما تئاتری‌ها تحلیلی از وضع خودمان از روانشناسی مردم و نیازهای جامعه نداریم. و در مورد جشنواره صادقانه بگویم اگر ما جشنواره رانفی هم بکنیم و دلایلی بیاوریم، ولی اگر ما را به جشنواره بخوانند حتما سعی می‌کنیم که در ردیف اول باشیم. اما معتقدم ما باید اجراهای مستمر و عمومی داشته باشیم و





جشنواره می‌آید برای جایزه نیست، برای آنست که منتقدان از او ایراد بگیرند. اما ما در جشنواره فجر کدام کار قوی را داشتیم که بر تئاتر کشور تاثیر بگذارد؟ یا گولهای تئاتر کشورمان در این جشنواره چه کرده‌اند؟

رحیم هودی - ضمناً ما از آنچه در دنیا می‌گذرد بی‌اطلاعیم. قبلاً جشنواره‌ای بین‌المللی وجود داشت. ای کاش سعی شود چنین جشنواره‌ای را با معیارهای بهتر دوباره راه بیاندازند تا ما با فرهنگهای مختلف جهان آشنا شویم.

حرفه‌ای و ... داریم که هر یک تعریف مشخصی دارد. اما متأسفانه فکر می‌کنیم اگر یک عده کارگر تئاتر بازی کنند آن تئاتر کارگری است، یا اگر کودکان تئاتر بازی کنند تئاتر کودک است. اما اینطور نیست و تعریف مشخص آنها و شناساندن درست آنها به جامعه برنامه‌ریزی درست هم می‌خواهد.

آرش دادگر - در مورد جشنواره فجر باید بگویم یک مشکل بزرگ وجود دارد. وقتی ۱۵ روز مانده به جشنواره متن تصویب می‌شود، در این صورت جشنواره چه تاثیری می‌تواند بگذارد؟ همین امسال اعلام شد که متن نمایشنامه‌ها را خرداد تحویل می‌گیرند و در شهریور ماه پاسخ می‌دهند. اما اوایل دی ماه اعلام شد، حالا این جشنواره چطور می‌خواهد حرفه‌ای باشد؟ مثلاً در جشنواره آوینیون کارهای برتر دنیا را انتخاب می‌کنند، پیتر بروک وقتی به این

می‌کنید در شرایطی که فعلاً داریم چه نوع تئاتری به درد ما می‌خورد؟

رحیم هودی - همین که گروههای تئاتری بتوانند آثاری را که با محیط زندگیشان مساعد است اجرا کنند قدم بزرگی است.

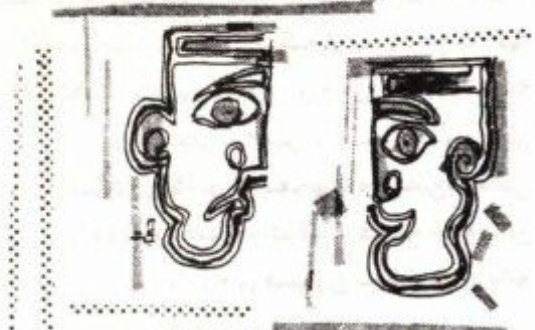
نادر شهسواری - فکر می‌کنم این فقر مالی و فقر محل اجرا پدیده تازهای نیست. پنجاه سال قبل هم همین مسئله وجود داشت. اما به هر حال ایرانی در سنت خود بدون نیاز به سالن و دکور و غیره کارش را انجام می‌داده و با مردم ارتباط درستی برقرار می‌کرده است. شاید اگر ما هم به آن ابزار مسلح شویم مفید باشد. البته منظور این نیست که از تئاتر نوع فرنگی صرف‌نظر کنیم، آنهم نیاز بخشی از جامعه ما است.

احمد سپاسدار - می‌توانیم این مسئله را با دیدهای مختلف نگاه کنیم. مثلاً ما تئاتر کودک داریم، تئاتر کارگری داریم، تئاتر حرفه‌ای و غیر

## □ قسمت دوم

# حلوا حلوا دهنم شیرین

تماشاگر اثر می‌کند. اما در کنار ظرفیت قصه نمایش به قابلیت نمایشی آنهم باید توجه کرد. به‌اینکه آیا این قصه ارزش نمایشی دارد یا خیر بسیاری از حکایات و روایات یا حوادث هستند که فاقد جوهر نمایشی هستند و به همین علت نباید از آنها برای نگارش نمایش استفاده کرد.



هر چند حامل بهترین و ارزشمندترین پیام باشند، بلکه در اینگونه مواقع باید آن مفهوم و معنای مورد نظر را از ورای قصه‌ای جذاب و نمایشی چشمگیر به خواننده یا بیننده القاء کرد. حال که حرف به‌اینجا کشید بد نیست این را هم یادآور شوم که اصولاً خیلی از ما، ذهن قصه‌پرداز نداریم، و اگر هم استعدادی هست آنرا پرورش ندادیم و این معضل یکی از دردهای رنج‌آور بسیاری از علاقه‌مندان به نمایشنامه‌نویسی است. به‌همین جهت خیلی‌ها برای پیدا کردن قصه به‌متون ادبی و قصص کهن یا وقایع تاریخی متوسل می‌شوند. باید توجه داشت که این عمل هیچ عیب و ایرادی ندارد. چنانکه بسیاری از بزرگان عرصه نمایشنامه‌نویسی از این آبشخور بهره‌مند گشته‌اند و آثار گران سنگی از خود باقی گذاشته‌اند و ما را مدیون زحمات خود کرده‌اند.

آخر هر کدام از اینها تعریف و کاربرد دارد. انشاء عبارت‌پردازی‌های خاص خود را می‌طلبید، گزارش راه و رسم خود را و مقاله تحقیقی سبک و سیاق دیگر لازم دارد.

در مقاله تحقیقی که نمی‌توان احساسات شاعرانه و عبارت‌پردازی‌های عاشقانه و پرتکلف و تشبیه، و استعاره و ... آورد؛ چرا که حق مطلب ادا نمی‌شود و مقصود در میان کلمات گم و ناپیدا می‌ماند و در نتیجه آن نوشته، الکن می‌شود و بی‌حاصل. چنانکه می‌بینیم بعضی را که علیرغم تلاش زیاد و تحقیق فراوان و داشتن عنوان پر طمطراق آثار قلمی‌شان اغلب بلااستفاده‌اند.

ای عزیز. بعد از آنکه دانستی انشاء و خاطره و مقاله و گفتگوی صرف و روایت هر کدام چه معنی و کاربرد و تفاوتی دارند، قصه را هم باید بشناسی، خواه به آن حکایت بگویی یا داستان. به‌هرحال فرق است میان کوتاه و بلند آن. به‌ویژه در امر نمایش، کوتاهی و بلندی قصه مهم است زیرا که قصه کوتاه کم ظرفیت است نسبت به قصه بلند.

اینهم خود معضلی است که اغلب مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به‌همین جهت است که می‌بینیم برای قصه‌ای با ظرفیت یک ربع ساعت نمایش، حدود یک ساعت زمان پیش‌بینی شده. البته در اجرا که در نگارش آنقدر به اصطلاح موضوع را آب بسته‌اند و کش داده‌اند تا صفحاتش به تعداد صفحات یک نمایش یک ساعتی برسد. اینجاست که نمایشنامه بی‌رمق می‌شود و کسل‌کننده. نه بر صحنه و نه بر دل

غرض از آنچه آمد این بود که تو دوست عزیز جوان و علاقه‌مند به نمایشنامه‌نویسی توجه داشته باشی تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به‌گزار مگر اسباب بزرگی همه آماده شوند. برای نمایشنامه‌نویسی تو بی‌نیاز از یاد گرفتن ادب پارسی نیستی. فن درست نوشتن را باید بدانی تا بتوانی مقصودت را به‌درستی ادا کنی، آنهم نه به‌صورت خاطره، چرا که خاطره، خاطره است و خاطره‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی نیست. از اینکه دو نفر بیایند و از خاطرات گذشته خود در یک خانه قدیمی هرچه دیده و شنیده‌اند، بگویند. نمایشی بیرون نمی‌آید.

متأسفانه در سالهای اخیر (بیش از یک دهه) تا جایی که نگارنده دیده و شاهد بوده، یکی از معضلات اغلب آثار به‌صحنه آمده و جشنواره‌ها و ... توسط جوانان و بعضاً میانسالان و ... همین بوده و هست که فرقی بین نمایشنامه و خاطره‌نویسی قائل نشده‌اند و به‌تصور اینکه تقسیم روایت یک مطلب بین چند نفر، نمایشنامه است راه به‌خطا برده‌اند.

صحبت از درست‌نویسی شد بد نیست این را هم بدانی که فرق است بین انشاء و گزارش و مقاله تحقیقی و فرقی بین آنچه که اتفاق می‌افتد و آنچه که درباره آن اتفاق گفته می‌شود.



# حضورِ هماره مغتتم

به مناسبت اجرای میرزا قلمدون در جشنواره

همایون علی آبادی

«صیادان» را نوشته است. پس از انقلاب «آهسته با گل سرخ» را عرضه کرده و با نوشتن «پلکان» نظرات خود را به وضوح بیان داشته است. یا موجزترین، آهنگین‌ترین و زیباترین اثر دراماتیک معاصر فارسی، یعنی سه تک‌پرده‌ای «محاق»، «مسافران» و «مرگ در پاییز» را در متن خون و خشم و غماخشم نوشته است. قلم رادی در بحرانی‌ترین لحظه‌های تاریخ معاصر ما متعهدانه عمل کرده است. کار رادی در درام‌نویسی به بندبازی بیشتر شبیه بوده است و اساساً با جوهر احتجاج می‌نویسد. آدمهای او همواره در متن گفت‌وگو و محاجه‌اند. و چه سخت است این‌همه را در ظرف و پیمانه نمایش ریختن و چه سهل و ممتنع است مقالات و مقولات ادبی / انسانی را در فضایی به‌جز صحنه و درام تشریح کردن. رادی هرگز گزارش نداده و خبر نانوشته و ناگفته را محض اطلاع تکثیر نکرده است. او به اجزا و امهات و چفت و بستهای تئاتری عمیقاً مسلط است و از این‌روی اگر هم گفت‌وگویی بوده با چرخه قلم ورزیده و تراش‌خورده و چالاکش به‌سوی ایجاز یورش برده و از اطاله و تطویل به لاطائل که آثار نمایشی ما مملو و مالا مال از آنهاست تا حد مقدور و مقدر پرهیز داشته است. اگر هم گاهی در نمایشنامه‌ای مثل «لبخند باشکوه آقای گیل» یا یک دو سه کار آغازین‌اش اطلاع هم می‌بینیم بی‌گمان باید عمض‌عین کرد. مگر می‌توان در الی خیال گام زد و با هیچ و پوچ بنایی افراشته و افراشته ساخت؟ رادی در طی سالیان حضور مطرح و موجه خود در تئاتر، رقمهای درشت و چشمگیری را به قلم خویش اختصاص داده است. و از این‌روی در متن همین خاک پاک و بی‌ادبار نامی ماندنی از خویش برجای نهاده است. البته من به بهانه دیر هنگام نشر «مکالمات» رادی این مقاله را قلمی می‌کنم و نقد و نظری هم بر کژ و کوژهای هستن هنری وی دارم که به‌وقتش خواهد آمد.

اما همین‌جا بگویم و بگذرم که غرض از تحریر این مسوده احترام‌نگاری و ادای دین است به اکبر رادی که قریب به ۴۰ سال است صحنه را

و پرمایه و ملاط فارسی چشمی هم به اندیشه‌ها و منطق دراماتیک انداخته بود. اما ادبیات ما با وجود همه سایه‌روشنها و گرت‌های کم‌رنگ و پررنگ دراماتیک که با صد من سریشم هم به بافت و درونمایه‌های تئاتری نمی‌چسبند، از عنصر درام و منظومه‌ها و شعر دراماتیک تهی



است. این‌که نظامی روایت می‌گوید و داستان‌سراست یا شاهنامه فردوسی سرشار از هسته و مغز پرنرغز تراژیک است، برای اقتباسهای تئاتری، یکجا و در بست و در حد و حدود پژوهیدن و تطبیقی درست و به‌قاعده. اما چه کنیم با فضاهای خالی و بدون ضریب‌هنگ و ایقاع ادبیات ما که با وجود همه توانمندیها و ژرف‌نگریها و نکات و ذوق عظیم و موسع شاعرانی چون حافظ و سعدی، هرگز گوشه‌چشمی به درام نداشته است. از درام آنتی / هلنی یونان تا تئاتر روم و چین و آن‌سوتراها... از رادی دور نیفتیم. غرض این که رادی از نظر صبغه تاریخی و پیشینه ادبی در عین اتکال به سنت مناظره و افهام در ادب ما، از اقبیانوس عظیم و جزیل ادبیات نمایشی، جرعه‌ای گوارا و زلال ننوشیده است. او ره‌توشه و زادراهی فراهم آورده که بیش از ۲۵ سال صحنه‌های تئاتر روزگار ما را در اندازه‌هایی قابل اعتنا، به زیر رکاب خود کشیده و ضمیر قلم چموش و چالاکش را بر خنگ راهوار نشانده و یکتنه به‌سوی آماجگاه تاخته است و در هر حال با استمرار و ممارست پشتکار قله را فاتحانه تا به آخر پیموده است.

اکبر رادی در سخت‌ترین شرایط سیاسی / اجتماعی و در اوج اختناق و شهربندان و قداره‌کشی و باج‌گیریهای ادبی و اجتماعی،

اکبر رادی طی قریب به ۴۰ سال حضور در عرصه صحنه معاصر، هماره در پی کشف و غور در مفاهیم متحول اجتماعی / سیاسی بوده است. از روزنه آبی تا «منجی بر مهتابی نمناک» هیچ‌گاه از تکاپوهای ذهنی و تلاشهای انسانی در راستای آفاق و اقالیم عمیق و مؤثر بشری بازنیستاده است. سیر سی‌ساله قلم و قدم اکبر رادی در چشم‌انداز و قلمرو نمایش معاصر همیشه مغتتم بوده و با وجود همه افت و خیزها و نشیب و فرازها که در برهه‌های گوناگون سیاسی / اجتماعی کارنامه رادی دیده‌ایم به‌راستی اثری همچون «صیادان» و یا آن سه تک‌پرده‌ای سخت زیبا و دلنشین و به‌غایت موجز مرگ در پاییز که این قلم آن را در جایی دیگر «تریلوژی پاییزی» خوانده است، در شمار تک‌کارهای به‌یادماندنی ادبیات نمایش معاصر به‌شمار می‌آیند. نکته‌ای که از پس این سالها قابل‌ذکر است این که قول و فعل رادی همیشه یکسان و یکپارچه بوده است. بسیاری از نویسندگان را که چهره‌به‌چهره می‌بینی، مغانکی ژرف و هول‌آور بین عوالم قلم و فضاهای هستن آنها می‌بینی. اما رادی همچون عنصری پویا و کارآمد عرصه‌های زیستن در پهنه هنر و ادب معاصر همه‌گاه اصل جوشش و جهش در رفتار و کردار را پاس داشته است. و از این‌روی این تقابل و همخوانی در کارهای وی سایه‌ای از صمیمیت، صداقت و حفظ حریم و حیثیت تئاتر انداخته و دیر و دور نیست اگر رادی را یک تئاتری اهل و فعل بنامیم.

گستره و پهنه نمایشنامه‌نویسی، بی‌هرگونه تردیدی از سایر قوالب ادب و هنر دشوارتر است و بینش و دانشی تناور و کارآمد باید تا بتوان از راه ادات و ابزار این هنر به جان و جوهر صحنه تئاتر که مؤثرترین و ژرف‌ناک‌ترین اسلوبهای ادبی / هنری است دست یافت. بدیهی است که ادبیات فارسی در طی قرون و اعصار هرگز از دایره شعر و نثر بیرون نرفته و چرخش و چالش و گردشی به‌سوی درام‌نویسی و اساساً تصویرهای نمایشی نداشته است. به قول «گوته» ای‌کاش ادبیات غنی





حقایق تلخ اجتماع امروز ماست! که در ذهنم شکل گرفت. مشکلات نسل جوان اعم از سیستم نظام آموزشی دانشگاه‌هایکاری جوانان، عدم تناسب اشتغال جوانان با رشته‌های تخصصی آنها، شغل‌های کاذب جوانان، اضمحلال نیروی مولد، مشکلات مسکن و ازدواج جوانان، که تمامی آنها را بصورت فشرده و با نگاهی انتقادی سعی کرده‌ام به شیوه طنز تلخ اجتماعی به نمایش بگذارم.

● آیا شیوه خاصی را در اجرا مد نظر داشته‌اید؟

کاکاسلطانی - سعی داشتم به صورت کارگاهی کار کنم، هدف اصلی من رسیدن به یک شکل مطلوب در زمینه بدن و بیان بازیگران بود زیرا همانطور که می‌دانید، داشتن بیان مناسب و انعطاف بدن بازیگر در تئاتر خیابانی اساسی‌ترین اصل است زیرا بازیگر باید بتواند در میان شلوغی مفرط به آسانی تماشاگر را جذب نماید.

● در مورد مدت تمرین و ترکیب بازیگران بفرمائید؟

کاکاسلطانی - اغلب بازیگران از دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته بازیگری هستند. پس از دریافت مصوبه متن تمرینها آغاز شد و روزانه چهار ساعت و نظم و جدیت تمرین کرده و با پشتکار بازیگران نمایش را آماده کرده که مورد تصویب هیأت بازیگری قرار گرفت و امیدواریم مورد رضایت تماشاگران نیز واقع شود.

● نظر شما در مورد نحوه برگزاری جشنواره خیابانی امسال چیست؟

کاکاسلطانی - با توجه به تجربه چند سال گذشته در زمینه برگزاری جشنواره خیابانی به نظر می‌رسد که امسال با خلاقیت بیشتری توأم گردد. ضمن اینکه دبیر جشنواره خیابانی آقای محمود فرهنگ نیز در این کار به مهارت بیشتری دست یافته‌اند و نقاط بیشتری از تهران را تحت پوشش اجرائی برده‌اند. همچنین تعداد گروه‌های شرکت کننده از استانهای کشور نیز نسبت به سالهای گذشته بیشتر می‌باشند. امید است که گامهای سریع و بلندی در جهت رشد کمی و کیفی برداریم. انشاءالله.

گفتگو با

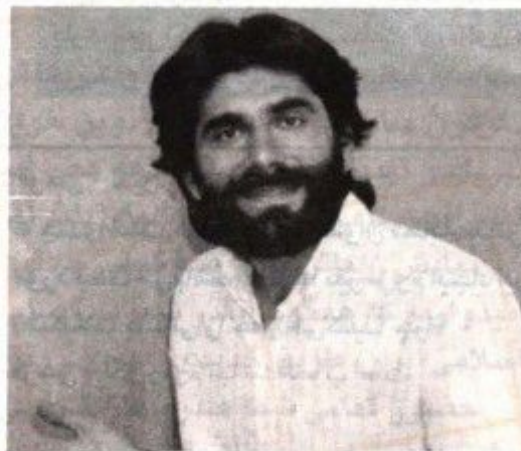
حمید کاکاسلطانی

کارگردان و نویسنده

نمایش خیابانی «سد معبر»

● جناب آقای کاکاسلطانی نمایش «سد معبر» را برای «بخش خیابانی» جشنواره فجر آماده اجرا دارید. از نظر شما اساساً نمایش خیابانی چه تفاوتی با سایر انواع نمایش دارد؟

کاکاسلطانی - نمایش خیابانی اصولاً به نمایش‌هایی گفته می‌شود که با توجه به محل اجرا (خیابان، پارک یا هر جایی که محل گذر و تردد عابرین باشد) محتوای خاص با تکنیک مشخص را در معرض دید قشرهای مختلف و طبقات مختلفی از مخاطبین قرار گیرد. بنابراین حرکات، اسلوب بازیگری و نمایش باید در حداقل زمان حداکثر تاثیر را داشته باشد. پس تئاتر خیابانی باید با دقت و هوشیاری توأم باشد و بازیگر از مهارت بالایی برخوردار باشد، زیرا بر خلاف انواع دیگر نمایش که تماشاگران ماجرا را در یک سکوت مطلق دنبال می‌کنند در تئاتر خیابانی ممکن است سر و صدای جمعیت، بوق ماشینها و ... مشکلاتی را ایجاد نماید. ضمن اینکه از نظر طراحی و شکل اجرایی تا حدودی به نمایش‌های میدانی (نقالی) شباهت دارد، تماشاگران به صورت دایره در اطراف می‌ایستند، لذا نوع بازیگری نیز با تئاترهای قاب عکسی و یا یک سویه تفاوت دارد و تماشاگران از چند جهت به تماشا ایستاده‌اند.



● نمایش سد معبر را با چه انگیزه‌ای نوشته و کارگردانی کرده‌اید؟

کاکاسلطانی - نمایش «سد معبر» بخشی از

خالی نکرده و هرچه هست درد است و دردمندی و شرح احوالات نسل و عصر رادی. نکته دیگر این که بی‌اعتنا به گرایشهایی مانند راسیسم و غیره‌ذالک، معتقدم رادی سرزمین و زادگاهش گیلان را حرمت و احترامی دوباره و دیگر بخشیده است. نمم و تلنگر باران خوش شمال، یشم مخمل‌گون و سربه‌سر درخت و گلبنهای جنگل و موج آبی دریا با آن ریتمهای چخوفی و اندوهناکی و ملالهای آنی و برتافته از هوای خیال‌انگیز و بارانی که لایه‌هایی از بینش فلسفی و اجتماعی بر آن مزید گشته، آثار اکبر رادی را با خطه گیله مردها وابسته و عجین است.

خالست صحنه، آه! رفتست آن سیاه.



محمد یکه معروف به افشین، سیاه‌پوشی که تماشاگرانش را به میهمانی لبخند می‌برد، از میان ما پرکشید.

افشین یکه روز پنجشنبه ۹ بهمن ماه مقارن با عید سعید فطر پس از یک سنانس موفق در تئاتر نصر، در پرده دوم از سنانس دوم و در حین نمایش قلبش از کار ایستاد و در حالی که تماشاگران انتظار ورود او بر صحنه را داشتند، جنازه‌اش به روی دست دیگر بازیگران، با اشک و آه بر صحنه آورده شد و او آخرین وداع را با صحنه و تماشاگر کرد.

افشین که متولد ۱۳۳۰ در کرمانشاه بود؛ بازی در نقش سیاه شوخ و حق طلب تخت‌حوضی را بطور جدی پس از انقلاب و با نمایش «کمدی آخ» در تئاتر کوچک آغاز کرد و با نمایش‌هایی چون «جوجی و سیاه»، «سوغات فرنگ»، «راز خوشبختی»، «گردنبند مروارید»، «مستأجر خوشبخت»، «هلو و لولو» و ... تماشاگرانش را به ضیافت لبخند میهمان کرد و سرانجام نیز در نمایش «آرزوهای بزرگ» به دیدار معبود شتافت. یادش گرامی و روحش شاد!





## امروز در جشنواره

تئاتر شهر - سالن اصلی، ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، بخش ویژه، «عاشق کشون»، کار «سیاوش تهمورث» از تهران  
 سالن چهارسو - ساعت ۱۷ و ۱۹، بخش ویژه، «آمیز قلمدون»، کار «هادی مرزبان» از تهران  
 سالن شماره ۲ - ساعت ۱۸ و ۲۰، بخش مسابقه، «مصاحبه»، کار «محمد رحمانیان» از تهران  
 سالن قشقایی - ساعت ۱۶/۳۰ و ۱۸/۳۰، بخش سنتی و آئینی «سپاه بازی»، کار «سعدی افشار» از تهران  
 تالار مولوی - ساعت ۱۶ و ۱۸، بخش مسابقه، «شبانه»، کار «عباس غفاری» از تهران  
 تالار سنگلج - ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، بخش مسابقه، «لرزه‌های بی‌زمان»، کار «محمد رضا بی‌گناه» از تهران  
 تالار هنر - ساعت ۱۹ و ۲۰، بخش مسابقه، «دختر، دو چرخه، دورزدن»، کار «مصطفی اسلامی» از قم  
 تالار محراب - ساعت ۱۷ و ۱۹، برگزیده جشنواره منطقه‌ای، «نی‌لبک و بهمن»، کار «امیر سهامی» از زنجان  
 تالار آسوه - ساعت ۱۷ و ۱۹، برگزیده جشنواره دفاع مقدس، «چهارمین نامه»، کار «حسین رونده» از تهران  
 تالار فارابی - ساعت ۱۵/۳۰ و ۱۷/۳۰، بخش جوان، «آینه‌گر در آئینه»، کار مؤسسه آموزش عالی سوره تهران  
 مجموعه آزادی - ساعت ۱۷ و ۱۹، بخش مسابقه، «هجوم»، کار «علی رضایی» از میناب  
 فرهنگسرای نیاوران - ساعت ۱۷ و ۱۹، بخش مسابقه، «بازی هفتم»، کار «شبلم طلوعی» از تهران  
 محل اقامت هنرمندان - ساعت ۲۱ تا ۲۳، نمایش فیلم مرغ دریایی، «نوشته آنتون چخوف»

## بحران

### گفتگو با آقای حسین فرخی

عضو هیئت مدیره

کانون ملی منتقدان تئاتر



● بنظر شما یک جشنواره آرمانی تئاتری چگونه جشنواره‌ای است؟

فرخی - جشنواره‌ای که در آن حرفه‌ای‌ترین، مناسب‌ترین، جذاب‌ترین و قوی‌ترین آثار تئاتر ایران در کنار یکدیگر رقابت کنند.

● آیا اساساً تئاتر ما در شرایطی قرار دارد که برای آن جشنواره برگزار نمائیم؟  
 فرخی - چرا که نه، بد نیست.

● شما فکر می‌کنید که برگزاری این جشنواره‌ها، به شکلی که تاکنون رایج بوده است تأثیری در وضعیت تئاتر ما داشته است؟ این تأثیر مثبت بوده است یا منفی؟ چرا؟  
 فرخی - لابد داشته است که همچنان ادامه می‌یابد.

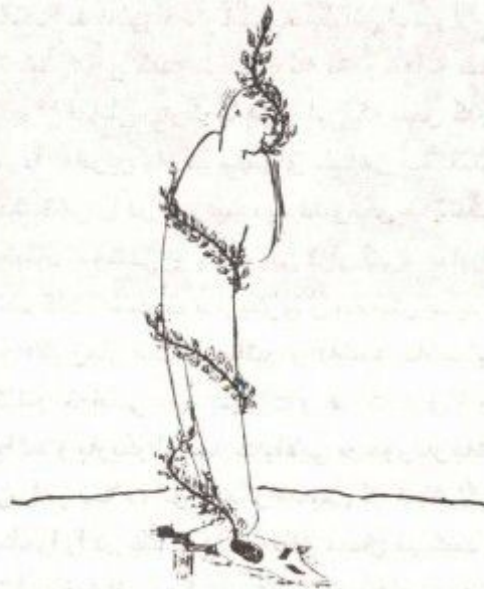
● با توجه به وجود بخش حرفه‌ای در جشنواره امسال شما به عنوان یک منتقد تئاتر چه انتظاری از این نقش دارید؟  
 فرخی - کدام بخش حرفه‌ای؟

● بسیاری از صاحب‌نظران وضعیت تئاتر کشور را بحرانی ارزیابی نموده‌اند نظر شما در این رابطه چیست؟ اگر با ایشان موافقت می‌کنید به نظر شما این بحران چگونه و به چه ترتیب به وجود آمده است؟  
 فرخی - بحران!

● به نظر شما از نقادان تئاتر در این وضعیت کاری ساخته است؟ اگر نه، چرا؟ اگر آری، چه کاری؟

## خبرهای کوتاه

- محل برگزاری جلسات نقد و بررسی به سالن چهارسو تئاتر شهر انتقال یافت.
- ترکیب هیأت داوران بخش مسابقه «کانون ملی منتقدین تئاتر» با جایگزینی آقای همایون علی‌آبادی به جای خانم چیستا یثربی تغییر یافت.
- در روز اول جشنواره به علت ازدحام بیش از حد تماشاگران نمایش آنسوی آئینه سنانس فوق‌العاده در ساعت ۲۱/۳۰، به اجرای این نمایش افزوده شد.



## امروز در جشنواره سراسری تئاتر خیابانی

تئاتر شهر - ضلع شرقی، ساعت ۱۶، «مجنون»، کار «محمد خاتمی» از مشهد  
 تئاتر شهر - ضلع شمالی، ساعت ۱۷، «اگه بشه چی میشه»، کار «امیر آتشی» از تهران  
 میدان راه آهن - ساعت ۱۶، «خوب یا بد»، کار «حسن خلیلی‌فر» از تهران  
 ترمینال جنوب (اتوبان بعثت)، ساعت ۱۶، «هیاهو»، کار «مهسا هراتی» از تهران  
 پارک خیام (خیابان ۱۷ شهریور)، ساعت ۱۶، «آخرین معرکه»، کار «علی‌اصغر خطیب‌زاده» از دامغان  
 زیر برج آزادی - ساعت ۱۶، «سد معبر»، کار «حمید کاکاسلطان» از تهران  
 بازار گل (پارک لاله) - ساعت ۱۶، «خاصیت سکوت»، کار «آرش قایق‌ور» از فولادشهر  
 پارک شهر (خیابان حافظ) - ساعت ۱۶، «خون و باران»، کار «احمد رضا رافعی» از بروجرد  
 بوستان خواجه (میدان غار) - ساعت ۱۶، «امتحان»، کار «محمد الهی» از مشهد

### نمایش

ویژه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

زیر نظر لاله تقیان

مدیر داخلی مریم آقائی

مدیر هنری حجت ترصدی

حروفچینی شهناز یوسفی، فاطمه شفیعی

مسعود عباسی

مسئول روابط عمومی فاطمه کباریان

امور فنی محمد وجدانی

عکس حجت ترصدی، اختر تاجیک

فرخی - خیر.

● چندی است که طرحی با عنوان «خانه تئاتر» مورد بحث می‌باشد آیا شما نیز لزوم ایجاد این تشکیلات صنفی را حس می‌کنید؟ چرا؟  
 فرخی - اگر رفرم نباشد، خوب است.

● به نظر شما جایگاه منتقدان ما در این میانه کجاست؟ و آیا کانون ملی منتقدین در این راستا فعالیت‌هایی خواهد داشت؟  
 فرخی - ممکن است جایگاهی داشته باشند.